

# نوزایی بالفور از بحرین



■ **سودای سرزمینی جدید!**

حالا به نظر می‌رسد مشابه آنچه در گذشته رخ نموده است، به آرامی در منطقه خلیج فارس در حال تکرار است. تلاش تل‌آویو برای نزدیک کردن و گسترش روابط با دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس به ویژه بحرین و امارات یک نقطه آغاز است.

■ **حفاظت از آل خلیفه در برابر نابودی**

با آغاز بهار عربی، بحرین نیز از سال ۲۰۱۱ شاهد انقلاب مردمی علیه رژیم آل خلیفه بود. مردم خواهان آزادی، برقراری عدالت و رفع تبعیض و روی کار آمدن نظامی منتخب در کشورشان شدند، اما در پاسخ، آل خلیفه با کمک سعودی‌ها اقدام به سرکوب شدید و دندمنشانه انقلابیون کرد. بسیاری زندانی، سلب تابعیت و اعدام شدند که البته این دست اقدامات خلی بر خواسته انقلابیون بحرینی وارد نکرد. حال آل خلیفه دست به دامان تل آویو شده تا از این طریق به اهداف خود کتال شود. همه به خوبی کارنامه صهیونیست‌ها را در سرکوب حق طلبان و آزادیخواهان فلسطین برای بیش از ۷۰ سال دیده‌اند؛ چه کسی بهتر از آنها برای میان برداشتن مخالفان آل خلیفه؟

## وهم شرقی رسانه مستقل غربی!

**بی‌بی‌سی نه تنها مأمنی برای روزنامه‌نگاران مستقل نیست بلکه به شدت به مراکز قدرت وابسته است**



کوتاه جای خود را در میان رسانه‌های تأثیرگذار باز کرد، و به شکل یکی از بزرگ‌ترین نیروهای فعال در قرن بیستم به بازیگری مهم در عرصه خبرپرانی و اطلاع‌رسانی تبدیل شد.اکنون تلویزیون از نفوذترین پدیده‌های فرهنگی – رسانه‌ای در دوران ماست و به رغم گسترش وسایل ارتباط جمعی، به ویژه گسترش اینترنت و به تبع آن، توسعه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، همچنان تلویزیون رسانه‌ای پر مخاطب به شمار می‌رود و طیف وسیعی از مردم را به خود مشغول کرده است.

تاریخ تلویزیون در کشورهای غربی را (که پیشگام در آمد، رویدادی که در سال‌های پس از آن، جهان را شکارهای به نام تلویزیون، حدود ۱۵ سال پس از آغاز به کار رادیو انجام پذیرفت.

۲- دوره تکامل و توسعه (دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی)
که تلویزیون در حال توسعه بود و در اندک زمانی دنیا را به خود مشغول کرد. رشد و توسعه تلویزیون ابتدا از شبکه‌های اروپای غربی و شوروی سابق آغاز شد و در ادامه به ایالات متحده آمریکا رسید. در امریکا تلویزیون از ابتدای تولد، تجاری شد و در این سرزمین، پخش منظم برنامه‌های تلویزیونی از سال ۱۹۳۹ میلادی (که میرتر از شوروی سابق و برخی کشورهای اروپای غربی) ابتدا توسط شرکت تلویزیون ملی nbc آغاز شد سپس شبکه تلویزیونی cbs پخش برنامه‌های خود را آغاز کرد. در انگلستان شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی در نوامبر ۱۹۳۶ میلادی به پخش منظم برنامه تلویزیونی اقدام کرد و در ماه ۱۹۳۷، نخستین برنامه تلویزیونی خارج از استدیو (مراسم تاج گذاری جرج ششم) از این شبکه تلویزیونی پخش شد. با آغاز جنگ جهانی دوم، تلویزیون در انگلستان پخش برنامه‌هایش را تا سال ۱۹۴۶ متوقف کرد. به دیگر سخن این جنگ ویرانگر، توسعه تلویزیون را در اروپا حدود ۱۰سال عقب انداخت و با تأخیر مواجه ساخت.

زاین پیش از جنگ جهانی دوم، تنها کشور خارج از اروپا و امریکای شمالی محسوب می‌شد که از تلویزیون برخوردار بود. در این کشور تلویزیون برنامه منظم روزانه نداشت و رسانه ملی ژاپن nhk از سال ۱۹۲۵ میلادی برنامه‌های رادیویی را آغاز کرد و در اواسط دهه ۱۹۳۰ به تجارتی در زمینه تلویزیون دست زد.

۳- دوره توسعه بیشتر از اندازه با توسعه انفجاری تلویزیون (دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی):در این دوران، تلویزیون به رسانه‌ای غالب در جهان تبدیل شد و سایر

ابراهیم» کردند. از آن به بعد تا کنون به ویژه میان امارات و رژیم صهیونیستی پیمان‌های نظامی مختلفی منعقد شده است. یک قرارداد برای طراحی شناورهای بدون سرنشین ضد زیردریایی امضا شده است. پیمان‌های تجاری-اقتصادی دیگری هم مثل قرارداد شرکت اسرائیلی OurCrowd با گروه Al Naboodah در دومی امضا شده است که قصد آن، تسهیل سرمایه‌گذاری است. در سفر دو هفته قبل «بنی گانتز»، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی به منامه هم نخستین تفاهتنامه همکاری امنیتی با یک امیرنشین خلیج فارس امضا شد؛ سفری که رسانه‌های اسرائیلی آن را بسیار مهم دانستند و تکمیل کننده «دکترین پیرامونی» علیه ایران ذکر کردند.

بر اساس «دکترین پیرامونی»، اسرائیل باید پیرامون دشمنان خود که مهم‌ترین آنها جمهوری اسلامی ایران است، متحدان و پایگاه‌هایی ایجاد کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس، جمهوری آذربایجان و ترکیه، در این دکترین مورد توجه هستند. نکته مهم در پیشبرد این دکترین، بهره‌گیری از توان و نفوذ اقتصادی و علمی و به دنبال آن ایجاد گروه‌های نظامی- امنیتی در دولت‌های هدف است که بحرین و امارات از جمله آنهاست. تل آویو از یک سو با گسترش روابط خود با همسایگان شمال غربی و از آن مهم‌تر دولت‌های حاشیه خلیج فارس، سعی دارد ضمن عقب راندن سطح نفوذ و قدرت دفاعی ایران از شامات به حاشیه خلیج فارس و مرزهای شمال غربی، بازار اقتصادی- تجاری این مناطق را به خصوص در فروش تسلیحات و تأمین انرژی مورد نیازش فراهم کند و از سوی دیگر، اعراب با نزدیک شدن به تل آویو ضمن به دست آوردن حمایت لابی صهیونیستی در خرید تسلیحات گسترده، قدرت پیرامونی خود یعنی جمهوری اسلامی ایران را به انزوا بگشایند.

در مجموع به نظر می‌رسد گسترش و تعمیق شتابان روابط میان رژیم صهیونیستی و دولت‌های خلیج فارس از جمله بحرین که از ضعیف‌ترین آنهاست، در لایه‌های راهبردی مختلفی تعریف شده است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در یافتن سرزمینی جدید با موقعیت ژئواستراتژیک مطلوب برای لانگ‌گرنی مجدد، رشد مخالفان و حفاظت از بقای آل خلیفه در بحرین، پر کردن خلأ قدرت ایالات متحده در خلیج فارس و در نهایت تکمیل اتحاد پیرامونی علیه جمهوری اسلامی ایران ذکر کرد.

دشمن‌سازی بیرونی جهت ایجاد وحدت داخلی و از سوی دیگر، عادی‌سازی روابط با همسایگان و دیگر کشورهای منطقه جهت مشروعیت‌بخشی به خود بوده است. اسرائیلی‌ها با استفاده از ترفندهای مختلف و حمایت بی‌درغ ایالات متحده، روند دشمن‌سازی را پیش برده‌اند که نمونه آن را در دشمن‌سازی اعراب، حکومت بعث عراق و اکنون جمهوری اسلامی ایران می‌توان دید. تل آویو در ایجاد روابط نیز توانسته روابط سیاسی با برخی دولت‌های خاورمیانه برقرار کند. در سال ۱۹۷۹ با دولت مصر، ۱۹۹۴ با اردن و پیمان اسلو و در سال ۱۹۹۳ نیز با سازمان آزادی‌بخش فلسطین، البته اسرائیلی‌ها با وجود عقد چنین پیمان‌هایی تاکنون قادر نبوده‌اند آزادانه در مصر و اردن قدم بگذارند که خود بیانگر جدایی راه مسردم از دکترین دنیای اسلام است.

جندی پیش بحرین و امارات متحده عربی با بهانه قرار دادن موضوع امنیت و خطری که از جانب خلیج فارس و در نهایت تکمیل اتحاد پیرامونی علیه اسرائیل دراز و با وساطت امریکا اقدام به عقد «پیمان

شهرت یافته است، رسانه‌های باسابقه، بر خوردار از تجربه و مخاطبان بسیار در انگلستان و سراسر جهان ارزیابی می‌شود. تعداد مخاطبان جهانی این رسانه غربی (که زیر نظر دولت پادشاهی بریتانیا فعالیت می‌کند) ۳۰۸ میلیون نفر در همه قاره‌های گیتی برآورد شده است. در سرزمین انگلستان، تقریباً همه شهروندان این کشور حاقل از یکی از سروس‌های رسانه‌ای این بنگاه خبری استفاده می‌کنند و بخش وسیعی از مردم این کشور، شبکه بی‌بی‌سی را تماشا می‌کنند و بسیاری نیز به رادیو بی‌بی‌سی گوش فرا می‌دهند. به عبارت دیگر بی‌بی‌سی تنها یک مؤسسه خبری و رسانه‌ای نیست، بلکه منبع خبررسانی و از منابع مهم خبری در سطح جهان به شمار می‌رود که از جایگاه رسانه‌ای مهمی در جهان برخوردار است.

در تددیدی نیست بی‌بی‌سی رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار در جهان غرب است که دامنه تأثیرگذاری آن به همه نقاط دنیا رسیده است. اما به گفته کارشناسان رسانه، این شبکه بر مخاطب نه مستقل بوده و نه در رویدادهای جهان رسانه‌ای بی‌طرف است، بلکه در چارچوبی که برایش تعریف شده از سیاست‌های دولت بریتانیا و به طور کلی نظام غرب، اندیشه و فرهنگ غربی جانبداری کرده است و برنامه‌هایش کاملاً هدفمند طرح‌ریزی می‌شود و می‌کوشد بر اندیشه، فرهنگ و سبک زندگی جامعه هدف تأثیر گذارد. و سیاست‌ها، اندیشه‌ها و به طور خلاصه فرهنگ و تمدن غربی را توسعه ببخشد و آن را در بستر رسانه رواج دهد.

پروفیسور «دژ فریدن» استاد از تباطات دانشگاه گلگاسمتی لندن می‌گوید: «بی‌بی‌سی نه تنها مأمنی برای روزنامه‌نگاران مستقل نیست، بلکه به شدت به مراکز قدرتی که قرار بود به عنوان یک رسانه بر آنها نظارت کند، وابسته است.»

رسانه‌های تصویری، شنیداری و… که چهره جهان را در قرن بیستم تغییر داده و دوران نوینی را گشوده‌اند، در کنار فواید فراوانی که برای مردم این روزگار به ارمغان آورده‌اند، مشکلات و معضلاتی را نیز به همراه دارنده‌از دراطلاع‌رسانی و فعالیت‌های رسانه‌ای همچنان پیروند و ایسته به جهان غرب بر فرهنگ‌سازی رسانه‌ای، نفوذ دولت‌های گوناگون به برنامه‌سازی تلویزیونی اختصاص می‌یابد. در بستر این اهمیت فوق‌العاده رسانه‌ای و فرهنگی تلویزیون، پدیده‌ای به‌نام «هابیوود» در ایالات متحده امریکا شکل گرفت که علاوه بر نقش فرهنگی، سرگرم‌کنندگی و اقتصادی، در خدمت سیاست‌های ایالات متحده قرار دارد و می‌کوشد آن را با استفاده از زمان هنر و رسانه به جهان بقبولاند و به دیگر سخن، سیاست‌های دیکته شده کاخ سفید را تئوریزه و آن را با ابزار فیلم و هنر، برای مردم جهان قابل فهم کند.

در این میان تلویزیون دولتی بریتانیا که بی‌بی‌سی

## پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۹ ۸۸۴۹۸۴۴

#### رویکرد

### اردوغان در دوراهی «جیب امارات» و «ایدئولوژی اخوان»



■ **سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده**

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، روز دوشنبه ۱۴ فوریه سفر رسمی خود را به اوبوظلی، پایتخت امارات متحده عربی انجام داد تا نقطه پایانی بر یک دهه خصومت کشیدید بین دو طرف باشد و به زعم برخی، دوره‌ای جدید در روابط بین دو کشور آغاز شود. می‌توان این سفر را دست دوستی اردوغان یا دشمنان سابقش ارزیابی کرد. به گفته برخی، این یک سفر تاریخی از سوی اردوغان برای ایجاد یک تغییر اساسی در جبهه‌بندی‌های منطقه بود. اردوغان نیز بی‌میل نبود چنین برداشتی از سفرش بشود، چنانکه در توئیت نوشت: «ما از امنیت و ثبات امارات حمایت می‌کنیم و بین امنیت خود و امنیت منطقه خلیج‌فارس تفاوتی قائل نیستیم.» شکی نیست که این حرف بیشتر یک تعارف سیاسی است تا اینکه اوتبنواد نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه داشته باشد و گذشته از این، مسائل قابل توجهی در مورد انگیزه‌های او از این سفر و تأثیر آن بر سیاست منطقه‌ای ترکیه مطرح است.

■ **زنگ خطر**

کمتر از یک سال و نیم به انتخابات آینده ریاست جمهوری ترکیه مانده و اردوغان امیدوار است بتواند در دومین انتخابات ریاست جمهوری بعد از تغییر از نظام پارلمانی به ریاستی نیز پیروز شود. چشم‌اندازهای موجود برای دستیابی به این هدف مثبت نیستند. انتخابات شهادری‌ها و شوراهای شهر ترکیه دو سال قبل هشدار جدی به اردوغان و تداوم حاکمیتش بر ترکیه داد. هر چند حزب عدالت و توسعه در این انتخابات با کسب ۴۴/۳۳ درصد در صدر احزاب قرار گرفت اما کسخت در آنکارا و استانبول یک ضربه جدی به حاکمیت اردوغان قلمداد می‌شد. او حتی نتوانست با ابطال انتخابات در استانبول و انتخابات مجدد، رأی بزرگ‌ترین شهر را به نفع خود تغییر دهد و این اکرم امام‌اوغلو از حزب رقیب جمهوریخواه قلع بود که در هر دو دور پیروز و شهردار استانبول شد. امام‌اوغلو توانست در هر دو دور ببینعلی ییلبدریم از حزب اردوغان را شکست دهد که آخرین نخست‌وزیر اردوغان و از یاران نزدیک او به شمار می‌رود. این جدای از نتیجه انتخابات در آنکارا بود که در آنجا هم منصور یولاش، نامزد حزب جمهوریخواه خلق، پیروز و موفق شد شهرداری را بعد از ۲۵ سال از چنگ حزب اردوغان خارج کند. بنابراین، اردوغان با این هشدار نمی‌تواند انتظار پیروزی تضمین‌شده‌ای در انتخابات آینده داشته باشد.

■ **نجات از سقوط**

اردوغان گذشته از این زنگ خطر با چالش جدی‌تری دست به گریبان است. نرخ تورم طی هشت ماه گذشته روند صعودی داشته و به بالاترین میزان در ۲۰ سال گذشته رسیده است. آمارهای گویبند نرخ تورم سالانه در ژانویه به ۴۸/۶ درصد و تورم ماهانه در این ماه به ۱/۱ درصد رسید که رقم بسیار بالایی برای اقتصاد است. این جدا از کاهش ۳۴ درصدی ارزش لیر است که به صورت مستقیم بر زندگی مردم ترکیه تأثیر گذاشت و باعث شد تا ارزش درآمدهای آنها کاهش یابد و در مقابل، هزینه‌های زندگی‌اعم از کالا، انرژی و خدمات مدام روند افزایشی داشته باشد. افزایش هزینه برق خانوار، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰درصد در ماه ژانویه و همچنین افزایش قبض گاز خانوار اولین نشانه‌های عینی از این وضعیت است که باعث شد مردم معترض در ششم فوریه به خیابان‌ها بریزند و شعار «دوغان استعفا» و «حکومت کناره‌گیری» سر بدهند. هر چند اردوغان در سخنرانی ماه‌های اخیر مدعی شده رقم صعودی تورم موقتی است و دولت او توانایی کاهش آن را دارد اما اقدامات او برای دستیابی به این هدف از جمله تزریق میزان قابل توجهی از ذخایر بانک مرکزی به بازار، نه تنها نتوانست بحران رشد تورم را کنترل کند، بلکه دولتش را درگیر مشکل جدید کاهش ذخایر ارزی کرد. حالا او نگاهش به جیب اماراتی‌هاست تا با جذب سرمایه‌های آنها بتواند خود را از سقوط اقتصادی و پیامدهای آن نجات دهد.

■ **انتظا‌رها و آرزوها**

خبرگزاری آناتولی همزمان با سفر اردوغان به اوبوظلی نوشت: «انتظار می‌رود در جریان این سفر توافق‌نامه‌های جدیدی در حوزه سرمایه‌گذاری که از نوامبر ۲۰۲۱ و در جریان سفر ولیعهد اوبوظلی به آنکارا آغاز شده بود، امضا شوند. منابع خبری از اعضای ۱۲ توافق‌نامه میان اوبوظلی و آنکارا در این سفر خبر داده‌اند.» به این دلیل بود که توفیق اوز، رئیس هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه به آناتولیس گفت که دوره رکود تجاری طولانی مدت جای خود را به دوره جدیدی داده، فعالیت‌های تجاری شتاب گرفته است و سرزم مایه‌گذاری‌های متقابل و تجارت احیا خواهد شد. فروش تسلیحاتی ساخت ترکیه نیز می‌تواند موضوع دیگری باشد که اردوغان انتظار دارد روابط مشابه خود در ۲۰۱۷ و عمن در ۲۰۱۹ را با امارات داشته باشد، چنانکه محمد بن احمد الواردی، وزیر دفاع امارات قبل از سفر اردوغان و در جریان دیدارش با توگای تونسلی، سفیر ترکیه در اوبوظلی در زمینه توسعه همکاری‌های دفاعی و نظامی دوجانبه گفت‌وگو کرده‌بود.

با وجود اینکه به نظر می‌رسد اردوغان در سفر خود به دنبال فعال کردن همکاری‌های تجاری، اقتصادی و نظامی بود تا به لطف ثروت اماراتی‌ها، خون تازه‌ای به اقتصاد تورم‌زده کشورش تزریق کند اما باید توجه داشت برآورده شدن این آرزوها چندان بی‌درسر نیز نیست. در وهله تجاری باید به رقابت نه چندان پنهان بین امارات و قطر اشاره کرد که با وجود توافق صلح‌علا در سال گذشته، هنوز هم تنش طرفین به خصوص در شبکه‌های اجتماعی مشهود است. ترکیه قبل از این توافق متحد اصلی قطر بود که همچنان منفی‌گرا در رابطه با این دو قدرت کند اما نزدیکی بیش از حد-واه امارات می‌تواند قطری‌ها را دربراره وفاداری اردوغان دچار تردید کند. همچنین نزدیکی اردوغان به اماراتی‌ها باعث تضعیف موقعیت او در میان جریان‌های اخوانی جهان عرب می‌شود که متحدان اصلی او هستند. دشمنی شدید اماراتی‌ها با این جریان باعث می‌شود اردوغان مجبور شود بین این جریان و جیب اماراتی‌ها یکی را انتخاب کند. این چالش‌ها جدا از پیامدهای منفی جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای اماراتی‌هاست که حتی تأثیر آن بر متحد همیشگی‌شان در عربستان سعودی نیز دیده شده است. شاید اردوغان امید داشته باشد از سرمایه امارات برای نجات اقتصادی خود استفاده کند اما این آرزو چنان محدودیت و هزینه‌ای دارد که بعد است به راه نجات قابل اطمینانی ختم شود.